



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حجت الاسلام والمسلمین مرادی

وهابیت، قدرت رسانه‌ای وهیاهوی فوق العاده!

اشاره

حجت الاسلام و المسلمین جعفر مرادی، متولد ۱۳۵۱، یکی از کارشناسان بحث فرقه‌ها و نحله‌های اسلام به شمار می‌آید. وی که بیش از ۱۹ سال در حوزه علمیه مشهد به تحصیل، تدریس و تحقیق اشتغال داشته و در کنار آن علوم دانشگاهی را تا مقطع کارشناسی ارشد به پایان رسانده است، هم اکنون به عنوان مشاور اعتقادی در آستان قدس رضوی و عضو هیأت علمی دفتر تبلیغات استان خراسان رضوی به فعالیت اشتغال دارد. علاوه بر آن، در شاخه‌های علوم اسلامی همچون کلام قدیم و جدید، کلام مقارن (بین مذاهب) و کلام تطبیقی (بین الادیان) در حوزه و دانشگاه مشغول به تدریس می‌باشد. از حجت الاسلام و المسلمین مرادی تاکنون ده‌ها مقاله و پژوهش منتشر شده است. در گفت‌وگوی پیش رو، وی به کارنامه سیاه وهابیت در تاریخ اسلام اشاره می‌کند و هیاهوی رسانه‌ای این فرقه دست ساخته استعمار را به عنوان راهکار اصلی برای فرار به جلو و پنهان نمودن جنایت‌های موجود در سابقه وهابیت برمی‌شمرد. پای گفت‌وگوی ایشان می‌نشینیم.



**فرقه وهابیت با حمایت
کشورهای استعمارگر از دو قرن
پیش تاکنون کارنامه‌ای سیاه
و سراسر خشونت را ارائه کرده
است. بیش تر این خشونت‌ها
نسبت به شیعیان بوده، اگرچه
اهل سنت نیز از آتش آن
در امان نبوده‌اند. فتنه‌ها و
جنایت‌های وهابیت علیه شیعیان
هنوز هم ادامه دارد. انفجارهای
متعدد در کربلا و نجف اشرف
بین مردم عادی و هتک حرمت
عتبات مقدسه که نمونه بارز
آن حمله به حرم مطهر امامان
عسکر بین علیهما السلام است، از
جمله فعالیت‌های سیاه این فرقه
به شمار می‌آید.**

پویا: از این‌که فرصتی در اختیار
ما قرار دادید سپاسگزارم. همان‌طور که
مستحضرید، فرقه وهابیت مجموعه‌ای
از عملکرد خویش را در کارنامه دو قرن
پیدایش خود ثبت کرده است. این عملکرد
چگونه و این کارنامه چگونه شکل گرفت.
حجت الاسلام و المسلمین مرادی: فرقه

وهابیت با حمایت کشورهای استعمارگر
از دو قرن پیش تاکنون کارنامه‌ای سیاه
و سراسر خشونت را ارائه کرده است.
بیش تر این خشونت‌ها نسبت به شیعیان
بوده، اگرچه اهل سنت نیز از آتش آن
در امان نبوده‌اند. فتنه‌ها و جنایت‌های
وهابیت علیه شیعیان هنوز هم ادامه
دارد. انفجارهای متعدد در کربلا و
نجف اشرف بین مردم عادی و هتک
حرمت عتبات مقدسه که نمونه بارز آن
حمله به حرم مطهر امامان عسکرین
علیهما السلام است، از جمله فعالیت‌های
سیاه این فرقه به شمار می‌آید. شیعیان
در برابر این گونه جنایت‌ها وارد جنگ
نشدند و فقط در برخی موارد
که وهابیان شهر به شهر به آن‌ها
حمله می‌کرد، از خودشان دفاع
می‌کردند. این مسأله فقط به شیعه
محدود نشد بلکه اهل سنت نیز،
هم جنگیدند و هم کتاب نوشتند
و از این منظر عجیب است که چرا
بعضی از اهل سنت به وهابیت
تمایل نشان می‌دهند.

وهابیت، با فتنه و جنگ و
ایجاد انحراف‌های متعددی به
وجود آمد و رشد کرد؛ اما پس از
تسلط بر مکه و مدینه چه کردند؟
تاریخ از ذکر آن شرم دارد و واقعاً
خجالت‌آور است که در فرهنگ و
تمدن اسلامی چنین فجایعی رخ
داده است. وهابی‌ها فردای روزی
که بر مکه کاملاً مسلط شدند، با بیل و
کلنگ گنبد‌های بسیاری را در منطقه مکه
و مدینه تخریب کردند. برخی مکان‌های
مقدس را که مسلمان‌ها اعم از شیعه و
سنی در طول تاریخ به آن‌ها ارادت
داشته و زیارت می‌کردند، به دست
این فرقه، ویران و به جایش آسفالت
شده و اثری از آن‌ها هم باقی نمانده

است؛ از جمله مسجدی که به مناسبت
خطبه غدیر در صحرای غدیر بنا شده
بود. گنبد زادگاه حضرت رسول (ص)
و گنبد شریف چهار امام همام (ع) در
قبرستان بقیع را نیز نابود و ضریح مطهر
آن‌ها را تخریب و منطقه را به بروتی
تبدیل کردند که الان شاهد آن هستید.
شرم‌آورتر این است که رفتار وهابیت
به گونه‌ای بود که جهانیان می‌گویند
مسلمان‌ها با دست خودشان میراث
فرهنگی چند صد ساله را از بین بردند
و از این جهت به مسلمان‌ها می‌خندند.
آن‌ها به گنبد‌های مقدس سنی‌ها هم
رحم نکردند. زادگاه ابوبکر و حضرت
خدیجه که دارای بنا بود از بین بردند.
بنای چشمه زمزم و گنبد اطراف کعبه را
نیز خراب کردند. آن‌ها هنگام تخریب
هم سرود می‌خواندند و طبل می‌زدند و
دشنام‌های بسیار زشت به صاحبان قبور
می‌دادند. حتی کارهای زشتی می‌کردند؛
مثل ادراک کردن بر بعضی از قبور صحابه
که این گونه صحنه‌ها را خیلی نمی‌توان
وصف کرد. مردم مکه از ترس با آن‌ها
همراه شده بودند و بعد از سه روز، آثار
و اماکن متبرکه و فرهنگی به کلی از
بین رفت و چیزی بر جای نماند. دستور
داده شد هیچ کس نباید از کس دیگری
کمک بخواهد؛ چرا که این کاره شرک
است!

**پویا: بدون شک، وهابیان این
جنایت‌ها را با اعتقادات و تئوری‌های
خاص خودشان مرتکب می‌شوند. به
طور کلی این‌ها چه عقاید و افکاری،
جدای از افکار عمومی مسلمانان، دارند که
می‌توانند به سادگی هرگونه جنایتی را
مرتکب شوند؟**

حجت الاسلام و المسلمین مرادی:
اگر بخواهیم افکار و عقاید وهابیت را

**وهابی‌ها فردای روزی که بر مکه
کاملاً مسلط شدند، با بیل و کلنگ
گنبد‌های بسیاری را در منطقه مکه و
مدینه تخریب کردند. برخی مکان‌های
مقدس را که مسلمان‌ها اعم از شیعه
و سنی در طول تاریخ به آن‌ها ارادت
داشته و زیارت می‌کردند، به دست
این فرقه، ویران و به جایش آسفالت
شده و اثری از آن‌ها هم باقی
نمانده است**

فهرست کنیم، می‌توانیم به این صورت
لیستی از آن‌ها ارائه دهیم.

۱. وهابی‌ها معتقدند که خداوند
شبیبه مخلوقات خودش است و در
برخی موارد هم قائل به جسم بودن
خدای متعال هستند.

۲. نسبت به اهل بیت پیامبر اکرم
صلی‌الله‌علیه‌وآله‌دشمنی دارند و
می‌توانیم این را از موارد فراوانی که
در کتاب‌های محمدبن عبدالوهاب و
دیگر پیروانش وجود دارد، به روشنی
به دست آوریم؛ در حالی که اهل سنت،
اهل بیت پیغمبر را اگرچه معصوم
نمی‌دانند ولی آن‌ها را تمجید می‌کنند
و اگر وهابیان منصف باشند، می‌بینند که
روایات وارده در کتاب‌های اهل سنت،
عظمت شخصیت اهل بیت پیامبر را
ثابت می‌کنند.

۳. هر کسی را که مخالف افکارشان
باشد، به شرک و کفر و بدعت‌گذاری
متهم می‌کنند.

۴. دشمنی با فرقه‌های دیگر اسلامی
و مخالفت با هرگونه تقریب بین مذاهب
اسلامی. از گفتن این مطالب هم پرهیز
نمی‌کنند؛ بلکه با صراحت می‌گویند:
«ما قائل به تقریب نیستیم. سنی و شیعه
و بودایی و مسیحی هم نداریم؛ بلکه
همه باید بیابند زیر این بیرقی که ما

تأسیس کرده‌ایم!» مثلاً ناصر
بن عبدالله کتابی به نام مسأله
التقریب بین اهل السنه و
الشیعه نوشته است. می‌گوید
هر گونه تقریب با شیعه باطل
و مردود است. همین‌طور
احمد بن عبدالرحمان بن
عثمان سلفی در کتاب
دعوه التقریب بین الادیان،
می‌کوشد تا با ده دلیل ثابت
کند که تقریب بین ادیان
آسمانی معنا ندارد و باید حتماً ادیان
آسمانی با دین اسلام در موضع جنگ و
معارضه باشند.

۵. مخالفت شدید با عرفان و
تمایلات عرفانی و جهت دیگر شاخص
آن‌ها است و آن‌ها به شدت با عرفان و
تصوف مخالفند.

۶. وهابیت به مفسران و کتاب‌های
تفسیری پی‌اعتنا هستند و با هر گونه
مجاز و تأویل که از ابزارهای تفسیر
قرآن کریم است، به شدت مخالفند؛
زیرا می‌دانند اگر بخواهند تأویلات
صحیحی را که با استدلال عقلی متعدد
تأیید می‌شوند بپذیرند، باید از عقاید
وهابی دست بردارند.

۷. تمایل به استدلال به حدیث
و روایت را به صورت برجسته در
بین آن‌ها می‌بینیم و در مقابل به طور
معمول از استدلال به قرآن کریم پرهیز
می‌کنند.

۸. تفسیر حدیث هم به صورت
کاملاً ذوقی و موافق با مشرب وهابیت
صورت می‌گیرد، نه موافق با مشرب
شیعه و یا حتی اهل سنت. بنابراین
بسیاری از برداشت‌های تفسیری علمای
اهل سنت در طول تاریخ، توسط
وهابیت تخطئه می‌شود و به جای آن،
برداشت‌های کاملاً منطبق با افکار و

عقاید انحرافی خودشان را جایگزین
می‌کنند.

۹. با عقل و عقل‌گرایی معارضه دارند
و به زحمت می‌توان برای آن‌ها یک
استدلال عقلی را جا انداخت. وهابیان
مخالف شدید فلسفه هم هستند.

۱۰. اهل سنت درباره مسأله اجماع،
خیلی مانور می‌دهند. علت خلافت
خلیفه اول را هم اجماع ذکر می‌کنند.
اگر اجماع علمای برجسته ملاک باشد،
اجماع علماء برجسته اهل سنت بر
این بود که ابن تیمیه منحرف است و
به همین سبب هم او را زندانی کردند
و در زندان از دنیا رفت و باز اجماع
اهل سنت در زمان ظهور محمد بن
عبدالوهاب این بود که وی خارج از
دین است. بنابراین اجماع را ضعیف
کردند و فقط ادعاهای اولیه اهل سنت
را می‌پذیرند.

**پویا: همان‌گونه که فرمودید، بیشتر
هجوم وهابیت به سمت شیعیان است.
بدون شک علاوه بر عقاید و افکاری که
اشاره کردید، آن‌ها برای اعمال زور و
جنایت به تبلیغات گسترده رسانه‌ای و
فرهنگی نیاز دارند. وهابیت عموماً چه
نوع فعالیت‌های تبلیغی را علیه شیعه به
کار گرفته است؟**

حجت الاسلام و المسلمین مرادی:
وهابیت با شگردهای مختلف تبلیغ
در نقاط مختلف دنیا به جذب نیرو
می‌پردازد. به تصریح قرآن، انسان به
اندازه عمل و تلاش خودش نتیجه
می‌گیرد. وهابیان تلاش می‌کنند و بهره
هم می‌برند؛ بهره‌شان این است که به
هدف خود برای گمراه کردن دیگران
نایل می‌شوند.

اولین روش آن‌ها، مبارزه با کتاب
های شیعه است. شیعیان بیش از همه



مذاهب و بلکه همه ادیان، به گفتمان و استدلال عقلی تمایل دارند. وهابیت کتاب‌هایی را علیه شیعه در چاپخانه‌های اهل سنت به چاپ می‌رسانند و با تمهیدات فراوانی در بین اهل سنت پخش می‌کنند. عده‌ای متوجه این قضیه می‌شوند، اما دستگاه رسانه‌ای وهابیت آن قدر با بوق و کرنا و قوی عمل می‌کند که این تک صداها به گوش جهانیان نمی‌رسد. آن‌ها همچنین در کتاب‌های اهل سنت دست برده و



آن‌ها را به صورت تحریف شده چاپ و منتشر کرده‌اند. حمایت‌های مالی بسیاری هم از این گونه کتاب‌ها می‌شود و در موارد بسیاری به چاپخانه‌ها کمک کرده‌اند تا این کتاب‌ها با قیمت ارزان در دسترس دیگران قرار گیرد. همین طور کتاب‌ها را خرابیده و به صورت رایگان به کتابخانه‌های بزرگ دنیا اهدا کرده‌اند تا کتابی که در کتابخانه اهل سنت است، تحریف شده باشد، نه یک کتاب اصیل. برای مثال، تفسیر روح‌المعانی شیخ محمود آلوسی را - با این که فردی شیعه‌ستیز بوده - پس



از حذف تمام احادیثی که رنگ و بوی مبارزه با وهابیت داشت، چاپ کرده‌اند؛ چون او روایاتی را نقل کرده که می‌تواند در تمجید فضایل اهل بیت یا نقد تفکر وهابیت مورد استفاده قرار گیرد. حتی کتاب مغنی ابن قدامه حنبلی - از علمای اهل سنت - را بدون بخش استغاثه چاپ کرده‌اند، چرا که وهابیت، این کار را شرک می‌داند!

کتاب دیگر، فردوس الاخبار از ابن شیرویه دیلمی است که دو چاپ هم بیش‌تر ندارد. در چاپ سال ۱۴۰۶، ۳۰ روایت در تمجید از شخصیت حضرت زهرا (س) وجود دارد؛ ولی در چاپ سال بعد که در همان چاپخانه اتفاق افتاده است، این ۳۰ روایت وجود ندارد! ابایی هم ندارند که کسی این را بفهمد؛ چون دستگاه رسانه‌ای‌شان قوی است و صداها را مخالف را خاموش می‌کنند. درباره کتاب تفسیر جامع البیان طبری نیز همین گونه رفتار کرده‌اند. این کتاب در ذیل آیه شریفه «و انذر عشیرتک الاقربین» روایتی را از پیغمبر اکرم (ص) نقل می‌کند: پیامبر (ص) پس از نازل شدن این آیه، نزدیکان خود را جمع کرد. روز اول هیا هو کردند و نگذاشتند ایشان سخن بگویند؛ تا روز سوم که پیامبر (ص) دعوت خود را مطرح

وهابیت کتاب‌هایی را علیه شیعه در چاپخانه‌های اهل سنت به چاپ می‌رسانند و با تمهیدات فراوانی در بین اهل سنت پخش می‌کنند. عده‌ای متوجه این قضیه می‌شوند، اما دستگاه رسانه‌ای وهابیت آن قدر با بوق و کرنا و قوی عمل می‌کند که این تک صداها به گوش جهانیان نمی‌رسد

کردند و فرمودند: چه کسی حاضر است وزیر من در امر رسالت باشد؟ «علی آن یکتا اخی» برای این که برادر من باشد؟ ادامه‌اش را چنین آورده‌اند: و کذا و کذا؛ یعنی برادر من (چنین و چنان) باشد! بعد می‌گوید: حضرت علی علیه‌السلام اعلام آمادگی کرد و پیامبر (ص) هم فرمود: پس تو برادر و کذا و کذا می هستی! و بدین ترتیب، حدیث را تحریف کرده‌اند. وهابیت متوجه نبودند که طبری کتاب دیگری به نام تاریخ طبری دارد و در آن دو بار این روایت را ذکر کرده است. در این کتاب، می‌گوید که پیغمبر فرمود: «ایکم یؤازرنی علی هذا الامر علی آن یکتا اخی و وصیی و خلیفتی فیکم»؛ چه کسی است که وزیر من در امر رسالت باشد تا برادر، وصی و خلیفه من در بین شما باشد. پیامبر (ص) دنبال برادر، وصی و خلیفه بودند و حضرت امیر هم اعلام آمادگی کردند. این عالم سنی هم ذکر می‌کند که پیغمبر (ص) فرمود: پس تو برادر، وصی و خلیفه من در بین این قوم هستی. و به قبیله هم فرمود که از این به بعد باید از علی اطاعت کنند. وهابیان حدیث مزبور را به این صورت تقطیع و حذف کرده‌اند. از این نمونه‌ها فراوان است.

کتاب دیگری در مکه چاپ شده که به شدت علیه شیعه است. در این کتاب نوشته شده است: «قال علی ابن موسی الرضا: نحن ابناء الله!»؛ علی بن موسی الرضا گفت: ما پسران خدا هستیم! آدرس آن را هم اصول کافی، جلد ۳، چاپ تهران ذکر کرده است. با مراجعه به این کتاب می‌بینیم از ریشه دروغ است. در اصول کافی به نقل از حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام آمده است «نحن امناء الله»؛ ما امین‌های خدا

هستیم. اما وهابیان در مقام تحریف، «م» را به «ب» تبدیل کرده و نوشته‌اند ابناء الله!

در ادامه این تحریف‌ها و دست بردن در محتوای منابع اسلامی، کار دیگر آن‌ها گزینش و خلاصه کردن کتاب‌هاست و دقیقاً چیزهایی حذف می‌شوند که در تمجید از اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و یا دال بر طعن نسبت به ابوبکر و عمر و عثمان و خلفا هستند!

پویا: با توجه به این‌که عربستان سعودی، پایگاه اصلی وهابیت است، موسم حج باید فرصت مناسبی برای این فرقه به شمار آید. بسیاری از زائران کعبه و مسجد النبی پس از بازگشت از سفر حج، خاطره‌های فراوانی دربارهٔ فعالیت گسترده وهابیت علیه شیعه بیان می‌کنند. برنامه وهابیت در این زمینه به چه شکلی انجام می‌گیرد؟

حجت الاسلام والمسلمین مرادی: از زمینه‌های عمده تبلیغی وهابیت، استفاده از موسم حج است. افراد مناظره‌کنندهٔ فراوانی تربیت شده‌اند که شب‌هاست وهابیت را به زبان‌های مختلف و به صورت چهره به چهره برای حاجیان کشورهای توضیح می‌دهند. علاوه بر آن، کتاب و جزوه‌های فراوانی هدیه می‌دهند و آرام آرام حاجیان را در سایهٔ انحرافات خودشان در می‌آورند. برخی آمار در این زمینه تکان دهنده است. فقط در حج سال ۱۳۸۱، ده میلیون و ششصد و هشتاد و پنج هزار جلد کتاب - که اغلب ضد شیعی هستند - به ۲۰ زبان دنیا در بین حاجیان، رایگان توزیع شده است.

اخیراً کتابی علیه شیعه نوشتند و آن را در تیراژ میلیونی چاپ و پخش کردند! قرار بود صد هزار نسخه از آن

در کویت توزیع شود. یکی از معتمدین آن‌جا نامه‌ای به پادشاه کویت نوشت و گفت: «اگر این کتاب‌ها توزیع شود، کویت به لبنان دیگری مبدل خواهد شد.» علیه شیعه کتاب‌های تهاجمی فراوانی نوشته شده است که بلافاصله به فارسی ترجمه و به حاجیان فارسی زبان هدیه می‌شود. و از آخرین نمونه‌های آن می‌توان به کتاب «سؤالاتی که باعث هدایت جوانان شیعه شد» اشاره کرد.

پویا: فعالیت‌های تبلیغی که اشاره فرمودید، بیش‌تر با گرایش کلامی، تاریخی و اعتقادی انجام می‌شود. با توجه به این‌که وهابیت با شیعه اختلاف جدی در نگاه سیاسی دارد، آیا در این زمینه هم از سوی آن‌ها کاری انجام شده است؟

حجت الاسلام والمسلمین مرادی: شگرد وهابیت در بعد سیاسی، تهمت‌های ضد شیعی است. کتابی به اسم «وجاء دور المجوس» یعنی و «زمانه مجوسیان آمد»، نوشته شده است که منظور از مجوس، ایرانیان هستند. این کتاب را عبدالله محمد قریب دانشمند مصری نوشته است. در این کتاب گفته شده که انقلاب [امام] خمینی، مجوسی و غیر اسلامی است. آن‌ها عربی بودن را مساوی با اسلام می‌دانند! بعد ادامه می‌دهد: این انقلاب کسروی است و محمدی نیست. وهابیت شیعیان ایران را پیروان کسروی می‌نامد! (می‌دانید که کسروی یک دگراندیش منحرف با عقایدی موهوم بود که خودش با عقایدش به درک واصل شد)، در جای دیگری از این کتاب می‌نویسد: خطر حاکمان تهران برای اسلام از یهودی‌ها بیش‌تر است! و ما از آن‌ها خیری انتظار نداریم! (آن‌ها وحدت و تقریبی را

که شیعیان مطرح می‌کنند، اصلاً قبول ندارند؛ چون شیعه را خارج از اسلام می‌دانند و اتحاد و تقریب با کافر را اصلاً مجاز نمی‌دانند.) در ادامه می‌نویسد: ما به خوبی می‌دانیم که آن‌ها به زودی با یهودی‌های اسرائیل هم‌دست می‌شوند و با مسلمان‌ها می‌جنگند! این کتاب قبل از جنگ ۳۳ روزه حزب الله با اسرائیل چاپ شده است. نمی‌دانم چگونه می‌خواهند جنگ شیعه با اسرائیل را توجیه کنند؛ چون قضیه بر عکس شد. اولاً شیعیان با یهودیان جنگیدند - آن هم به عنوان مدافع - و آن‌ها را شکست



کتاب دیگری در مکه چاپ شده که به شدت علیه شیعه است. در این کتاب نوشته شده است: «قال علی ابن موسی الرضا: نحن ابناء الله!»، علی بن موسی الرضا گفت: ما پسران خدا هستیم! آدرس آن را هم اصول کافی، جلد ۳، چاپ تهران ذکر کرده است. با مراجعه به این کتاب می‌بینیم از ریشه دروغ است

دادند. ثانیاً وهابی‌ها در آن زمان فتوا دادند که چون شیعیان لبنان کافر هستند، حق ندارید حتی برای آن‌ها دعا کنید، چه رسد به کمک! البته ۶۰ - ۵۰ فتوا در مجموعه کتاب فتاوی علماء مکه و مدینه در مورد کفر شیعه به کفر اعظم و خارج بودن آن‌ها از اسلام صادر کرده‌اند و این مبنای آن‌هاست و علناً آن را اعلام می‌کنند.

در کتاب «اصول مذهب الشیعه الامامیه» آقای قفاری که از اساتید دانشگاه‌های مدینه آمده است: «[امام] خمینی اسمش را در اذان نمازها داخل کرده و حتی از اسم پیغمبر اکرم هم پیش انداخته است. پس اذان نمازها در ایران پس از این که [امام] خمینی به قدرت رسید در تمام استان‌ها و شهرهایشان این گونه است: الله اکبر الله اکبر خمینی رهبر اشهد ان محمداً رسول الله.»

باید این مسأله را از ذهنمان خارج کنیم که مردم دنیا می‌فهمند این حرف‌ها دروغ است چون دنیا را رسانه‌ها اداره می‌کنند و شبکه الجزیره وهابی است. شبکه‌ای دارند که به زبان فارسی درباره وهابیت تبلیغ می‌کند. آن‌ها بوق‌های فرهنگی دنیا را در دست دارند. متأسفانه جهان شیعه در زمینه فرهنگی به صورت فراگیر و نهادینه شده کاری انجام نداده است. علمای شیعه فقط در برابر وهابیت بحث و مناظره می‌کنند. از طرف دیگر، وهابی‌ان در دانشگاه‌های خود، شبهات وهابیت و در کنارش کافر بودن شیعه را هم القا می‌کنند. بنابراین فارغ‌التحصیل رشته فنی دانشگاه ریاض، فردی است که شما را کافر می‌داند.

پویا: در حال حاضر، عملکرد تبلیغی وهابیت، چه مناطقی را در بر می‌گیرد؟
حجت الاسلام و المسلمین مرادی: از نقاط قابل اسکان قطب شمال یعنی از مناطق جغرافیایی توندرا و تایگا تا جنوب استرالیا و نزدیک قطب جنوب

و همچنین از جزایر سلیمان تا غرب امریکا، مناطق عمده و بزرگی دارند. میلیاردها دلار به طور دائم و سالیانه هزینه تبلیغات وهابیت در سطح جهان است. مراکزی در فیلیپین، شیلی، آرژانتین و جاهایی دیگر دارند که اصلاً به نظر نمی‌آید آن‌جا کسی حاضر باشد بیاید وهابی شود.

پویا: با همه این تبلیغات گسترده، در حال حاضر وهابیت از نظر مقبولیت و موفقیت در این راه چه جایگاهی دارد؟

حجت الاسلام و المسلمین مرادی: خوشبختانه از آن جایی که نور حقیقت خاموش نشدنی است، این تبلیغات بازدهی مورد انتظار وهابی‌ان را ندارد و می‌بینید که بسیاری از علمای اهل سنت در طول تاریخ شیعه شده‌اند. در دوران اخیر هم از این موارد زیاد است. خود وهابی‌ها نیز به این واقعیت اعتراف کرده‌اند. شیخ ربیع بن محمد در مقدمه کتاب الشیعه الامامیه فی میزان الاسلام می‌نویسد: «از مواردی که باعث افزایش تعجب من شد این است که برادرانی از ما و از جمله فرزندان یکی از علمای بزرگ و مشهور در مصر و برخی طلاب که مدت زیادی در حلقه‌های علمی ما بوده‌اند و نیز برخی برادران که حسن ظن به آن‌ها داشتیم، روش شیعه را دنبال کرده‌اند.»

یکی از نمونه‌هایی که در این زمینه اتفاق افتاد، مربوط به وهابی شیعه ستیز معروف، جناب آقای عصام العماد است. وی فارغ‌التحصیل دانشگاه امام محمد بن سعود در ریاض و شاگرد بن باز، مفتی اعظم عربستان سعودی و امام جماعت یکی از مساجد بزرگ یمن و شهر صنعا بود. ایشان کتابی علیه شیعه به نام ارتباط بین دوازده امامی‌ها و غالیان نوشت - غالیان افرادی که در حق ائمه اطهار غلو می‌کنند مانند علی‌اللهی‌ها و حسین‌اللهی‌ها - و کوشید ثابت

کند شیعیان دوازده امامی، همان علی‌اللهی‌ها و حسین‌اللهی‌ها هستند. وقتی این کتاب چاپ شد، وهابی‌ان بیش‌تر اطراف او را گرفتند و از وی حمایت کردند. عصام العماد بیش‌تر تحقیق می‌کند تا کتاب‌های دیگری بنویسد؛ اما در اثر تحقیقات، پس از مدتی خودش شیعه می‌شود! و شبهاتی را هم که در کتاب‌هایش بیان کرده جواب می‌دهد! نظیر این‌ها را فراوان داریم. دکتر محمد تیجانی تونسی و العقیلبی از این جمله‌اند. العقیلبی مشاور حسنی مبارک در امور حقوقی و از حقوقدانان برجسته و طراز اول جهان عرب بوده است. جناب شیخ معتصم سید احمد و هم‌چنین مرجع تقلید شافعیان کشور سوریه، از جمله کسانی هستند که اخیراً شیعه شده‌اند. این‌گرایش، به برکت حقانیت اسلام ناب است که فطرت حقیقت جوی انسان را سیراب و همه تبلیغات شیطانی فرقه‌های انحرافی را خنثی می‌سازد. اضافه شود ما با این حال بسیار ساده‌انگاری است که نسبت به هیاهوی فوق‌العاده وهابیت در بعد رسانه‌ای و تعدد مراکز تبلیغی آن‌ها در همه قاره‌های جهان ساکت بنشینیم و اقدامی صورت نگیرد مطمئناً قربانیان پیشرفت تبلیغی وهابیت در درجه اول شیعیان و اهل سنت ضد وهابیت خواهند بود. علاوه بر آن وظیفه فرهنگی ما اقتضا می‌کند دستبردهای وهابیت نسبت به کتب فراوان نگاشته شده در طول تاریخ سکوت نکنیم و این خیانت و جنایت فرهنگی فاش کنیم. طبعاً باید مراکز ایجاد شوند یا مراکزی که پژوهشی هستند این فضای فعالیت را ایجاد کنند کتب چاپی وهابیت را با همان کتب چاپ شده در گذشته مقایسه کنند و انحرافات را نشان دهند.

پویا: از فرصتی که در اختیار مجله فرهنگ پویا قرار دادید، سپاسگزاریم.

